نرخ بهره بین بانکی چیست و چه تاثیری روی اقتصاد و بورس دارد؟

مفاهیم اقتصادی ماهیتی دارند که در عین اینکه فکر می‌کنیم آن‌ها را بلدیم و می‌فهمیم چه معنایی دارند، ممکن است اشتباه کنیم. یک مثال ساده، همان مفهوم نرخ بهره بین بانکی و سود بانکی است که ممکن است در نظر بسیاری از افراد یکی باشد و فرقی بین آن قائل نشوند. اما آیا واقعا این دو مفهوم یکی هستند؟ طبیعتا نه. برای رفع این ابهام اخبار بورس دست به کار شده است و این مقاله را آماده کرده تا بگوید نرخ بهره بین بانکی چیست و سپس تاثیر آن را بر بورس و تورم و به طور کلی بر اقتصاد بررسی می‌کند. چرا که کارشناسان در این خصوص نظرات متفاوتی دارند که حتی گاهی با هم در تضاد است. پس بهتر است ابتدا با این مفهوم آشنا شویم تا بتوانیم بهتر در این مورد قضاوت کنیم.

*این مقاله آموزشی کاری از گروه تولید محتوای **اخبار بورس** (https://akhbarbourse.com) است. اشتراک‌گذاری و استفاده از آن با ذکر منبع مانعی ندارد.*

فهرست مطالب

انواع نرخ بهره ۱
نرخ بهره بین بانکی چیست؟ ۱
نرخ بهره بین بانکی و آثار آن بر اقتصاد ۲
تاثیر نرخ بهره بین بانکی بر بورس ۳
نرخ سود بین بانکی و تورم ٤
چه کسانی از نرخ بهره بین بانکی پایین سود می‌برند؟ ۵
سود بین بانکی بالا یا پایین؟ کدام بهتر است؟ ٦
نرخ سود بین بانکی در سال ۱۴۰۱ ..... ٦
جمع بندی ۷
سوالات متداول با پاسخ های کوتاه ۸

انواع نرخ بهره

حالا که بحث‌مان بر سر نرخ بهره بین بانکی است، بد نیست قبل از اینکه توضیحات اصلی را شروع کنیم اول در مورد نرخ بهره و انواع آن کمی حرف بزنیم. نرخ بهره عامل مهمی در اقتصاد است. اگر بخواهید پول‌تان را در بانک نگهداری کنید، به سراغ نهادی می‌روید که سود بیشتری را در ازای خواب سرمایه‌تان به شما بدهد. پس یکی از معیارهای مهم برای سپرده‌گذاری، همین نرخ بهره است.

اما وقتی نرخ بهره پایین باشد، کمتر کسی پولش را در بانک نگه می‌دارد. پس پول به سمت پروژه‌ها می‌رود و سرمایه گذاری رونق می‌گیرد. در این شرایط کارآفرینان می‌توانند از این پول برای پیشرفت پروژه‌ها و استارتاپ ها استفاده کنند.
نرخ بهره پولی است که بابت استقراض پول پرداخت می‌شود. مثلا اگر وام می‌گیرید باید درصدی از آن را به عنوان نرخ بهره به وام‌دهنده پرداخت کنید. در سمت دیگر وقتی پولی را در بانک سپرده‌گذاری می‌کنید، در ازای این کار از بانک بهره می‌گیرید. نرخ بهره انواع مختلفی دارد که سه تا از مهم‌ترین‌شان این‌ها هستند:

- **نرخ بهره ساده:** این ساده‌ترین روشی است که می‌توان بر اساس آن نرخ بهره را مشخص کرد. برای این کار باید نرخ سود روزانه را در مبلغ اصلی وام ضرب کنید. سپس حاصل را این بار در تعداد روزهایی که تا سررسید باقی مانده است ضرب کنید.
- **نرخ بهره مرکب:** بهره یا سود مرکب یک تفاوت عمده با نرخ بهره ساده دارد و آن هم این است که سود فقط به مبلغ اصلی تعلق نمی‌گیرد. بلکه سودهای انباشته از دوره‌های قبلی هم در محاسبات لحاظ خواهد شد. یعنی سودی که نصیب قرض‌دهنده می‌شود، هم سود اصل پول است و هم بهره‌ای که از سود سرمایه گذاری حاصل می‌شود.
- **نرخ بهره بین بانکی:** این مورد با دو مورد قبلی فرق می‌کند. چون مربوط به وام‌هایی است که بانک‌ها از یک‌دیگر می‌گیرند. توضیح مفصلش را بخش‌های بعدی بخوانید.

نرخ بهره بین بانکی چیست؟

نرخ بهره یا سود بین بانکی مفهومی ساده دارد. بانک‌ها برای تامین مالی دست به دامان بانک مرکزی می‌شوند. اما همیشه هم این‌طور نیست. این وسط بازار بین بانکی هم نقش بسیار پررنگی دارد. زمانی که دوره‌ی مالی کوتاه‌مدت بانک‌ها تمام می‌شود، دو حالت پیش می‌آید. بانک‌ها حساب و کتاب می‌کنند تا ببینند که آیا مازاد نقدینگی دارند یا کسری. در هر دو حالت کاری که باید بکنند این است که تعادل را برقرار کنند تا دیگر نه خبری از کسری باشد و نه مازاد. بانک‌ها باید مقدار

معینی وجه نقد را با عنوان ذخیره اجباری نگهداری کنند تا اگر مشتریان زیادی بخواهند وجوه خود را یک‌باره برداشت کنند، بانک اعتباراتش را از دست ندهد.

نرخ سود بین بانکی، نرخی است که بانک‌ها در ازای استقراض از یک‌دیگر باید آن را بپردازند.

پس دو راه پیش روی بانک‌ها قرار می‌گیرد. یا باید قرض بدهند یا قرض بگیرند. وقتی بانکی مازاد نقدینگی دارد، باید این مبلغ را در بازار بین بانکی به بانک‌های دیگر عرضه کند. از آن طرف بانک‌هایی که کسری دارند هم به سراغ همین بازار بین بانکی می‌آیند تا ببنید کدام بانک‌ها مازاد نقدینگی دارند. این‌طور آن‌ها می‌توانند کسری را از طریق استقراض از بانک‌های دیگر جبران کنند. پس دیگر نیازی نیست که بانک‌ها برای برقراری تعادل، به سراغ بانک مرکزی بروند. بازار بین بانکی مشکل آن‌ها را حل کرده است.

سررسید وام‌های بین بانکی یک هفته یا کمتر است و معمولا از آن‌ها با نام ***وام‌های یک‌شبه*** یاد می‌شود. نرخ سود این وام‌ها همان نرخ سود یا بهره بین بانکی نام دارد. حالا می‌توانیم بفهمیم که این مفهوم با نرخ سود بانکی چقدر تفاوت دارد. اما سوال اینجاست که این دو نرخ چه ارتباطی با هم دارند. نظر شما چیست؟

نرخ بهره بین بانکی و آثار آن بر اقتصاد

وقتی بانک‌ها برای تعدیل نقدینگی‌شان دیگر به بانک مرکزی مراجعه نکنند، بانک مرکزی هم می‌تواند حجم نقدینگی‌اش را بهتر کنترل کند.

تاثیر نرخ بهره بین بانکی بر بازار سرمایه به صورت مستقیم نیست. این عامل می‌تواند به مسیر نرخ بهره در اقتصاد جهت بدهد.

نرخ سود بین بانکی روی نرخ سود بانکی اثر می‌گذارد، اما نه چندان زیاد. چرا که سود بانکی به صورت دستوری تعیین می‌شود. با این‌همه وقتی بانک مرکزی بر نرخ بین بانکی نظارت داشته باشد، می‌تواند نرخ سود بانکی را هم کنترل کند.

با افزایش نرخ بهره بین بانکی، بانک باید پول بیشتری را در ازای استقراضش پس بدهد. پس سود بیشتری به سپرده‌گذارها می‌دهد تا آن‌ها را تشویق کند که وجوه خود را به بانک بسپارند. در نتیجه سود بانکی را افزایش می‌دهد.
تثبیت نرخ بهره بین بانکی مساوی است با تثبیت نرخ سود سپرده‌های بانکی مدت‌دار و مانع از افزایش آن‌ها می‌شود. هم‌چنین این امر به افزایش قدرت بانک‌ها برای تقویت اعتباری واسطه‌ها و همین‌طور نهادهای مالی بازار سرمایه کمک می‌کند. کاهش هزینه‌های تامین مالی و تثبیت نرخ سود تسهیلات بانکی نیز از دیگر مزایای تثبیت این نرخ است.

نرخ سود بین بانکی در گروی عواملی مانند میزان در دسترس بودن پول، شرایط وام‌دهی و همین‌طور نرخ سود بانکی مرسوم است.

بانک مرکزی برای کنترل نرخ بهره باید جریمه‌ی اضافه برداشت بانک‌ها را کم کند. در این حالت شاهد اضافه برداشت بیشتر و رشد پایه پولی خواهد بود. حالا اگر بانک مرکزی بخواهد کاری کند که بانک‌ها کمتر برای به استقراض به بانک مرکزی رو بیاورند، باید پایه پولی را به بازار بین بانکی تزریق کند و اقدام به افزایش عرضه‌ی منابع کند. این‌طور می‌تواند نرخ بهره را در بازار بین بانکی کم کند. نتیجه چه می‌شود؟ اینکه بانک‌ها تمایل پیدا می‌کنند برای تعادل نقدینگی‌شان به سراغ بازار بین بانکی بروند، نه بانک مرکزی.

تاثیر نرخ بهره بین بانکی بر بورس

آنچه در بخش قبلی گفتم به طور کلی نشان می‌دهد که تاثیر نرخ بهره بانکی بر اقتصاد چیست. حالا می‌خواهیم رابطه‌ی میان این فاکتور و بازار بورس را هم کمی بررسی کنیم.

وقتی بانک‌ها دیگر برای تامین این نیازهای مالی کوتاه‌مدت به سراغ بانک مرکزی نروند، دیگر شاهده پدیده‌ی انبساط حجم نقدینگی نخواهیم بود. نرخ بهره بین بانکی، روی نرخ سود دارایی‌های مختلف مثل سپرده، تسهیلات، اوراق دولتی و ... اثر می‌گذارد.

از جمله مزایای وجود بازار بین بانکی می‌توان به انتقال نقدینگی از بانک‌ها و موسسات مالی با مازاد نقدینگی به بانک‌ها و موسسات مالی که کسری نقدینگی دارند اشاره کرد.

در کشور ما شرکت‌ها برای تامین مالی معمولا سراغ بانک‌ها می‌روند، نه سراغ بورس. هرچند می‌توانند به کمک عرضه اولیه و افزایش سرمایه منابع مالی خود را تامین کنند. اما در بسیاری از

مواقع بانک‌ها گزینه‌های اول برای قرض گرفتن هستند. زمانی که نرخ سود بین بانکی کم شود، شاهد تاثیر آن روی P/Eسهام خواهیم بود.
برخی معتقدند ریزش بازار سهام به خاطر افزایش نرخ بهره بین بانکی و در نتیجه افزایش سود بانکی بود. چرا که این مسئله باعث شد مردم به جای سرمایه گذاری در بورس، در بانک‌ها سپرده گذاری کنند. اما عده‌ای دیگر ریزش بازار سهام را در گروی عوامل دیگری می‌دانستند که الان موضوع بحث این مقاله نیست.

به هر حال با کاهش نرخ سود بین بانکی، نقدینگی می‌تواند به بازارهای دیگر تزریق شود. با یک مدیریت کارآمد می‌توان این وجوه را به سمت بازار سهام سوق داد. این مسئله به افزایش عمق بازار سهام کمک می‌کند. هرچند اگر این نقدینگی به سمت بازارهای ارز یا طلا برود، نتیجه‌ی آن چیزی جز تورم نخواهد بود. پس کاهش نرخ بهره بین بانکی تنها عامل کنترل تورم نیست، بلکه مهم آن است که مسیر درست به نقدینگی داده شود.

نرخ سود بین بانکی و تورم

وقتی بانک‌ها کمتر به بانک مرکزی نیاز پیدا کنند، می‌شود تا حدودی به کنترل تورم امیدوار بود.

افزایش نرخ بهره بین بانکی در کوتاه‌مدت می‌تواند بر کنترل تورم اثر بگذارد، اما در بلندمدت می‌تواند منجر به تبعات تورمی و آثار منفی و زیان‌بار شود.

تا اینجا هم متوجه شده‌ایم که نرخ بهره بین بانکی، چطور می‌تواند روی تورم اثر بگذارد. بیایید یک بار دیگر این مسیر را با هم از ابتدا مرور کنیم.

- فرض می‌کنیم نرخ سود بین بانکی افزایش پیدا می‌کند.
- این مسئله کاهش نقدینگی بانک‌ها را نشان می‌دهد.
- در مقابل وقتی این نرخ کم شود، افزایش حجم حساب‌های جاری بانکی را نشان می‌دهد.
- این مسئله خود به افزایش حجم پول می‌انجامد.
- وقتی هم حجم پول بانک‌ها زیاد شود، تورم روندی صعودی می‌گیرد.
- در شرایطی که اگر حجم پول کم شود و بانک‌ها وابستگی کمتری به بانک مرکزی پیدا کنند، انتظار کاهش تورم دور از عقل نیست.

پس به طور خلاصه آنچه می‌توان از رابطه‌ی بین نرخ بهره بین بانکی و تورم فهمید این است که افزایش این نرخ، می‌تواند در کوتاه‌مدت به کاهش تورم کمک کند. اما در بلندمدت خود عاملی است که تورم را تشدید می‌کند.

افزایش سود بین بانکی باعث افزایش هزینه خلق پول می‌شود. این مسئله باعث می‌شود پول کمتری در اقتصاد عرضه شود و همین امر می‌تواند ترمز تورم را بکشد. وقتی سود بین بانکی بالا برود، سود سپرده‌ها و اوراق دولتی هم زیاد می‌شود. یعنی مردم تمایل پیدا می‌کنند که در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند و اوراق دولتی بخرند. پس از میان بازارهای مالی دیگر مثل طلا، ارز یا خودرو، بورس را انتخاب می‌کنند. کاهش تقاضا در دارایی‌هایی مثل طلا و ارز، قیمت آن‌ها را کم می‌کند. این امر نیز به کنترل تورم در کوتاه‌مدت کمک می‌کند.

چه کسانی از نرخ بهره بین بانکی پایین سود می‌برند؟

کاهش نرخ بهره بین بانکی، بیشتر از آنکه روی بازار بورس اثر داشته باشد، باعث افزایش قدرت خرید سهامداران حقوقی و بانک‌ها می‌شود. وقتی نرخ سود بین بانکی کمتر از ۲۰٪ باشد، بانک‌ها می‌توانند همان‌قدری که به مردم سود می‌دهند، منابع موردنیازشان را هم تامین کنند. کارگزاری بانک‌ها هم دست به کار می‌شوند و با این پول در بورس اقداماتی انجام می‌دهند. آن‌ها صف خرید و فروش را جمع یا ایجاد می‌کنند تا عمق بازار را زیاد کنند.
اما مسئله‌ای که این وسط وجود دارد این است که این بانک‌ها تنها روی سهام خود بازارسازی می‌کنند. یعنی به دنبال منافع خودشان هستند نه منافع جمعی بازار. در حقیقت آن‌ها به دنبال بستری هستند که زیان‌های ناشی از مسائل تحمیلی و دستوری دولت را در این بازار جبران کنند.

این نکته هم قابل توجه است که بازارها منفرد از هم عمل می‌کنند. یعنی درست است که افزایش یا کاهش نرخ بهره بین بانکی باید روی نرخ سایر تسهیلات اثر بگذارد ولی همیشه هم این‌طور نیست. چرا که در بسیاری از زمینه‌ها شاهد اعمال نظرات دستوری هستیم.

برخی از افراد پرنفوذ که از افزایش تورم سود می‌برند، تا می‌توانند به نهادهای مربوطه فشار می‌آورند تا نرخ بهره بین بانکی افزایش پیدا نکند. چرا که در این صورت می‌توانند وام‌هایی با بهره پایین بگیرند و همچنان از تورم بالا نهایت استفاده را بکنند.

سود بین بانکی بالا یا پایین؟ کدام بهتر است؟

تا این‌جا آثار تغییر سود بین بانکی را بررسی کردیم. نمی‌شود یک نتیجه‌گیری کلی انجام داد که آیا این نرخ باید افزایش پیدا کند یا کاهش؟ هرچند تثبیت آن می‌تواند مسئله‌ای مثبت باشد. به هر حال می‌توان یک راهکار سوم ارائه کرد.

بهترین حالت این است که بانک‌ها طبقه‌بندی شوند و نرخ سود بین بانکی برای هر طبقه تفاوت داشته باشد. مثلا اگر بانکی بتواند به خوبی نقدینگی‌اش را مدیریت کند، دیگر نیازی به استقراض یک‌شبه در بازار بین بانکی ندارد. پس می‌توان این بانک را در رده‌ی بانک‌هایی با عملکرد خوب دسته‌بندی کرد و نرخ سود بین بانکی را برای این بانک پایین‌تر در نظر گرفت.

در سمت مقابل بانک‌هایی که به دلیل ضعف مدیریت، مدام دچار کسری می‌شوند باید نرخ بیشتری بپردازند. وگرنه اگر این نرخ پایین باشد، این بانک‌ها هم نگرانی‌ای بابت کسری ندارند و با همین سوءمدیریت به کار خودشان ادامه می‌دهند. شاید این مسئله بتواند کلید حل مشکلاتی باشد که اقتصاد ما در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

نرخ سود بین بانکی در سال ۱۴۰۱

آمار و ارقام حکایت از آن دارد که نرخ بین بانکی در آغاز سال ۱۴۰۱ حرکتی صعودی را در پیش گرفته است. درست در هفته‌ی اول سال ۱۴۰۱، عدد ۲۰٫۳۶٪ مقابل این نرخ ثبت شد. این مسئله در شرایطی اتفاق افتاده است که از سال قبل یعنی ۱۴۰۰ دولت کاهش دستوری نرخ سود بین بانکی را در برنامه‌هایش قرار داده است و به دنبال آن است که این نرخ را در سقف ۲۰٪ نگه دارد. اما اعداد ثبت‌شده چیزی غیر از این را نشان می‌دهند.

نرخ سود بین بانکی به عرضه و تقاضا مربوط است و نباید با دخالت‌های دستوری بانک مرکزی کنترل شود. یعنی افزایش تقاضا برای دریافت این وام‌ها و یا عرضه‌ی اندک باعث فزایش نرخ سود می‌شود. در سمت دیگر هم هرچه عرضه بیشتر باشد یا تقاضا کمتر شود، نرخ سود به همان میزان کمتر خواهد شد.

آمار منتشرشده در وب‌سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران همچنین تا روز ۲۵ فروردین‌ماه نشان می‌دهد که این نرخ هنوز هم بالای ۲۰٪ است. جدول زیر این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد.

تاریخ	نرخ بهره بین بانکی به درصد
۱۴۰۱/۰۱/۲۵	۲۰٫۲۹
۱۴۰۱/۰۱/۱۸	۲۰٫۳
۱۴۰۱/۰۱/۱۱	۲۰٫۳۶

باید منتظر ماند و دید اسب سود بین بانکی کدام سمت می‌تازد. آیا از سرعتش کم می‌کند یا همچنان شتابان به حرکتش ادامه می‌دهد.

جمع بندی

نرخ بهره یا نرخ سود بین بانکی به مبلغی گفته می‌شود که بانک‌ها در ازای استقراض از یک‌دیگر به هم پرداخت می‌کنند. زمانی که بانک‌ها با کسری نقدینگی مواجه می‌شوند می‌توانند این کسری را از طریق منابع بانک مرکزی جبران کنند. اما بازار بین بانکی به آن‌ها کمک می‌کند کسری را با مبلغی پایین‌تر پوشش بدهند. در این بازار بانک‌هایی که مازاد نقدینگی دارند در نقش قرض‌دهنده و بانک‌هایی که با کسری مواجه‌اند در نقش قرض‌گیرنده ظاهر می‌شوند. مسئله‌ی مهم در مورد نرخ سود بین بانکی این است که این فاکتور می‌تواند به مسیر حرکت سایر بازارها جهت بدهد. یعنی به طور کلی تغییرات این نرخ بر اقتصاد و بورس کاملا محسوس است و می‌تواند در مهار یا رشد تورم اثر بگذارد.

اخبار بورس

سوالات متداول با پاسخ های کوتاه

نرخ بهره بین بانکی چیست؟

نرخ سودی است که بانک‌ها در ازای استقراض وام‌های کوتاه‌مدت و به منظور جبران کسری در دوره‌های مالی کوتاه‌مدت به یک‌دیگر می‌پردازند.

نرخ سود بین بانکی پایین خوب است یا بالا؟

این سوال پاسخ مشخصی ندارد. اما به طور کلی نرخ بهره بین بانکی بالا می‌تواند به کاهش تورم در کوتاه‌مدت کمک کند ولی در بلندمدت ممکن است به ضرر اقتصاد باشد و برعکس به تورم دامن بزند.

تاثیر نرخ بهره بین بانکی بر بورس چیست؟

نرخ بهره بین بانکی می‌تواند به تمام بازارهای اقتصادی جهت بدهد. وقتی این نرخ بیشتر شود، احتمال بالا رفتن نرخ سود سپرده هم زیاد می‌شود. در نتیجه مردم به جای آنکه در بورس سرمایه گذاری کنند، ترجیح می‌دهند در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند. برعکس این شرایط هم ممکن است اتفاق بیفتد.

نرخ سود بین بانکی چطور می‌تواند روی تورم اثر بگذارد؟

سود بین بانکی که بالا برود، هزینه‌ی خلق پول هم زیاد می‌شود. پس عرضه‌ی پول کمتر خواهد شد و در نتیجه می‌توان به کنترل تورم امیدوار بود. اما با گذشت زمان و در بلندمدت، همه‌چیز می‌تواند دوباره به همان حالت قبلی برگردد و مجددا تورم رشد کند.

این مقاله آموزشی کاری از گروه تولید محتوای **اخبار بورس** (https://akhbarbourse.com) است. اشتراک‌گذاری و استفاده از آن با ذکر منبع مانعی ندارد.